

## دین شناسی فاطمه زهرا علیها السلام

«قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ» [۱]

### مقدمه

این روزها و شب ها منسوب به صدیقه طاهره، زهراى مرضیه (علیها السلام) است. شخصیتی که پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه وآله وسلم) و امیرالمؤمنین (علیه السلام) و ائمه معصومین زبان به مدح و ثنای او گشوده اند. کلماتی که این بزرگواران درباره زهراى مرضیه به کار برده اند، بسیار قابل تأمل و پربار است، به گونه ای که پیامبر می فرماید: «شَجَنَةُ مِنِّي» [۲]؛ «بَهْجَةُ قَلْبِي» [۳]؛ «مُضْغَةٌ مِنِّي» [۴] و «بَضْعَةٌ مِنِّي» [۵]، فاطمه شاخه بدن، گوشت تن، پاره تن و شادی قلب من است! «أَفْضَلُ نِسَاءِ أَهْلِ الْأَرْضِ» [۶]؛ بهترین خانم اهل زمین است. امیرالمؤمنین (علیه السلام) می فرماید: «لِيَ الْفَخْرُ بِفَاطِمَةَ وَابْنِهَا» من به فاطمه و پدر بزرگوارش رسول خدا به خودم می بالم.

### افتخارات اسلامی

عزیزان من! نامه بیست و هشتم نهج البلاغه را نگاه کنید - آن جایی که امیرالمؤمنین (علیه السلام) افتخارات اسلامی را بر می شمارد - در اینجا امام می فرماید: «مِنَّا خَيْرُ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ»؛ برترین زنان عالم (زهراى مرضیه) از ماست. و نیز رسول خدا فرمود: «لَوْ كَانَ الْحُسْنُ شَخْصًا لَكَانَتْ فَاطِمَةُ بَلْ هِيَ أَعْظَمُ»؛ اگر تمام خوبی ها را بخواهید به تصویر بکشید، فاطمه خواهد شد؛ عفاف، تقوا، کرامت و تمام واژه های مقدس عالم را روی یک تابلو ترسیم کنید، «بَلْ هِيَ أَعْظَمُ» [۷]؛ فاطمه از آنها بزرگ تر است.

در این مجلس نورانی، در محضر رهبر معظم انقلاب، به سوگ چنین بانوی بزرگواری نشسته ایم. امیرالمؤمنین علیه السلام می فرماید: روزی رفتم خانه، دیدم پیامبر مهمان ماست و در منزل نشسته، امام حسن علیه السلام یک طرف و امام حسین علیه السلام طرف دیگر و زهرا علیها السلام هم مقابل رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) نشسته اند؛ «دَخَلْتُ يَوْمَ مَنْزِلِي، فَادَّارَ رَسُولُ اللَّهِ جَالِسٌ، وَ الْحَسَنُ عَنْ يَمِينِهِ وَ الْحُسَيْنُ عَنْ يَسَارِهِ، وَ فَاطِمَةُ بَيْنَ يَدَيْهِ» پیامبر و این سه مصداق اهل بیت در کنارش و روبه رویش نشسته اند، من هم ایستادم، سپس رسول خدا فرمود: «يَا حَسَنُ! يَا حُسَيْنُ! أَنْتُمَا كَفَّتَا الْمِيزَانَ وَ فَاطِمَةُ لِسَانَهُ»؛ حسن و حسین! شما نسبت به اسلام مانند دو کفه ترازو هستید، اما مادرتان، فاطمه، شاهین این ترازو است. «وَلَا تَعْدِلُ الْكَفَّتَانِ إِلَّا بِاللِّسَانِ» [۸]؛ شما می دانید کفه ترازو با شاهین معنا پیدا می کند، ارتباط نبوت و ولایت با زهرا معنا می یابد. و در واقع، استمرار

نبوت در نسل ائمه است. زهرای مرضیه چنین شخصیتی است. حالا کسی چون من چه بگوید؟ کسی که مدح او را پیامبر و امیرالمؤمنین و ائمه معصومین علیهم السلام بیان کرده اند.

عزیزان من! برادران و خواهران! جوانان گرامی! عمر فاطمه علیها السلام کوتاه بود، تراثی که به دلیل قصور تاریخ از فاطمه علیها السلام به ما رسیده، چیزی در حدود هفتاد دعا، دو خطبه، تعدادی حدیث و نیز تعدادی حکایت است که متخذ از سیره حضرت می باشد، و برخی از این حکایات را فرزندان فاطمه علیها السلام نقل کرده اند. اما همین مجموعه ارزشمند برای ما کافی است، و ما باید آن را کارآمد و راهبردی کنیم و در جامعه امروزمان پیاده کنیم.

اگر ما توانستیم ازدواج، همسررداری، دفاع و توحید فاطمه علیها السلام و... را برای جامعه امروز کاربردی و راهبردی کنیم، کاری بس دینی و هنری کرده ایم. اینکه بگوییم با حفظ وضع موجود، با حفظ تکنولوژی، با حفظ این آثار و پیشرفت هایی که در جهان می بینیم – با این شبکه های گسترده و این ارتباطات جمعی – چگونه می شود مسلمان بود؟ اینکه امروز همان الگو را بومی و در جامعه پیاده کنیم، این مسأله ای است که باید ده ها جلسه به آن پرداخته شود.

### **دین شناسی فاطمه علیها السلام**

اما بحث بنده راجع به دین شناسی حضرت زهرا علیها السلام است. دین شناسی به معنای شناخت باورها، اعتقادات و التزامات عملی است. اما ببینیم دیدگاه مبارک صدیقه طاهره علیها السلام در بحث توحید، معاد، امامت، مباحث مختلف اعتقادی و در یک کلام، دین شناسی چیست؟ کم دیده شده است که نویسندگان، سخنرانان و مقاله نویسان به این بُعد زندگی حضرت بپردازند.

### **دعای حضرت زهرا علیها السلام**

اول، دعایی را برایتان می خوانم، و بعد بحث دین شناسی را با استفاده از الگوی بیانی و رفتاری حضرت زهرا توضیح خواهم داد. یکی از دعاهاى زهرای مصیبت دیده، سختی کشیده، فقر دیده و مشکل دیده، این است: «اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْ مُصِيبَتِي فِي دِينِي وَلَا تَجْعَلِ الدُّنْيَا أَكْبَرَ هَمِّي» [9]؛ خدایا! کاری کن که همه هم و غم من دنیا نشود – الان بعضی ها همه هم و غمشان دنیا شده – خدایا! کاری کن که در اعتقاداتم، خلل وارد نشود، «وَأَصْلِحْ لِي دِينِي»؛ دینم را اصلاح کن، «الَّذِي هُوَ عِصْمَةُ أَمْرِي» دینی که پایگاه، اساس و مبناست. آقا! دنیا با همه زرق و برقش می گذرد.

### **داستان**

## مؤمن بی نیاز است

شخصی نزد امام صادق علیه السلام آمد. امام از او پرسید: فلانی چطور است؟ - مدتی بود که او خدمت امام نیامده بود و آقا احوالش را از رفیقش پرسید - فرد مورد سؤال فکر کرد که منظور امام وضع جسمی و مالی آن فرد است. گفت: آقا! اوضاعی ندارد، وضعش خوب نیست. امام پرسید: «كَيْفَ دِينُهُ؟» می گویم او چه طور است، نمی پرسم پول تو جیبی دارد یا نه؟ وضع مالی اش خوب است یا نه؟ می گویم دینش چه طور است؟ مرد گفت: الْحَمْدُ لِلَّهِ، دینش محفوظ و همان گونه است که شما می خواهید. اما مشکلات اقتصادی و مسایل مالی برایش پیش آمده است. امام فرمود: «هُوَ وَاللَّهُ الْغَنِيُّ» - پول ندارد، مهم نیست! - به خدا قسم که او بی نیاز است. [۱۰]

## بهشت کجاست؟

شخصی خدمت امام صادق علیه السلام نشست. گفت: کی به بهشت می رویم و بهشت کجاست؟ آقا فرمود: «انتم الْيَوْمَ فِي الْجَنَّةِ»؛ الان در بهشت هستی. حالا در بهشت دنبال چه می خواهی بگردی؟ دنبال نهر و قصر؟ کنار امام صادق نشست. ای. آیا می خواهی همه عالم را به تو بدهند و ولایت را از تو بگیرند؟!

## توصیه دینی - اخلاقی

عزیزان من! دغدغه دینداری، دغدغه حفظ اعتقادات برای جوانان، دغدغه تربیت فرزندان براساس مبانی دینی، جنبه های سهل و آسانی دارد. گذشتگان ما فراوان دغدغه این امور را داشتند. عبدالعظیم حسنی، عمر بن حرith و ابی الجارود، خدمت امام علیه السلام زانو می زدند و می گفتند: یابن رسول الله! آیا ما می توانیم دین مان را عرضه کنیم، تا ببینید درست است یا نه؟ عمرو بن حرith خدمت امام صادق علیه السلام آمد، گفت: آقا! من اعتقاداتم را خدمت شما عرضه می کنم، شما ببینید درست است یا خیر؟ [۱۱] چه اشکالی دارد جوان ها بیایند حمد و سوره خود را پیش کسی که آشنایی دارد بخوانند؟ یک بار هم شده نمازتان را پیش آقای ارئه کنید. چه خوب است اگر میان فامیل مان شخص تحصیل کرده، عالم و روحانی ای وجود دارد، هفته ای یک بار دور او جمع شویم، ببینیم عقیده هایمان درست است یا خیر؟ سؤالات مان را بپرسیم، شبهات مان را طرح کنیم و پاسخ بگیریم.

توصیه می کنم با نهج البلاغه آشنا شوید، این تراث ارزشمند امیرالمؤمنین علیه السلام - که بحمدالله شرح های خوب فارسی نیز برای آن نوشته شده است، - این کتاب ارزشمند را به بوتۀ فراموشی نسپارید! امیرالمؤمنین در خطبۀ ۱۵۶ نهج البلاغه می فرماید: یک روز خدمت رسول

گرامی اسلام بودم و پرسیدم: یا رسول الله! معنی آیه «أَحْسِبَ النَّاسُ أَنْ يُتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ» [۱۲] چیست؟ حضرت رسول فرمود: مضمون آیه این است که مردم! فکر نکنید وقتی گفتید ایمان آوردیم، دیگر تمام شد؛ این پندار غلط است. شما باید آزمون پس دهید، باید امتحان شوید. دقت کنید! این خطبه بیانش خیلی جالب است، حضرت علی علیه السلام پرسیدند: یا رسول الله! این فتنه ها چه موقع رخ خواهند داد؟ کی مردم آزموده می شوند؟ خود امیرالمؤمنین علیه السلام می فرماید: تا پیغمبر در جامعه بود، به هر حال خیال ها قدری راحت تر بود، همه گروه ها و حزب ها ملاحظه حضور حضرت را داشتند، کسی خیلی «انا الرجل» نمی گفت، - به این تعبیری که عرض می کنیم، نه؛ ولی شبیه این تعبیر در خطبه وجود دارد - من می دانم بیشتر این فتنه ها مربوط به بعد از پیغمبر است، ولی با این وجود از پیغمبر خدا پرسیدم. پیغمبر فرمود: علی جان! «سَيُفْتَنُونَ بَعْدِي»؛ امتحان ها، فتنه ها، آزمون ها، بعد از من آغاز می گردند.

### مواردی سه گانه امتحان

برادران و خواهران گرامی! رسول خدا فرمود: بعد از من مردم با سه چیز امتحان می شوند. ببینید آیا این سه چیز مشکل جامعه امروز ما نیز هست یا خیر؟ پیامبر فرمود: بعد از من سه چیز در جامعه بروز می کند و مردم با آن ها امتحان می شوند و همین طور هم شد!

### یا رسول الله: این سه چیز چیست؟

۱. مال: پیغمبر فرمود: «سَيُفْتَنُونَ بِأَمْوَالِهِمْ»؛ یکی از امتحان ها به وسیله مال دنیا صورت می گیرد. ملاحظه کنید! عبدالرحمن بن عوف ها وقتی از دنیا می رفتند، نوشته اند که شمش های طلایشان با تبر تقسیم می شد. مرحوم علامه امینی در الغدير جلد هشتم گزارش می دهد که چگونه مال پرستی به جان جامعه بعد از پیامبر افتاد.
۲. منت گذاری در دین: «يُمْنُونَ بِدِينِهِمْ عَلَى رَبِّهِمْ»؛ مردم با منت می خواهند دینشان را حفظ کنند، بر خدا منت می گذارند! دینداری را وظیفه و تکلیف نمی دانند، طلبکار خدا می شوند، هنوز نیز بعضی اوقات آدمی به چنین افرادی بر می خورد.

چرا دعای ما مستجاب نمی شود؟ چرا من مؤمن وضعم این گونه است؟ چرا فرزند من که ایمان دارم مریض است، ولی فرزندان آن فرد کافر سالم است؟ این بدگمانی ها چیست؟ عزیز من! مگر قرار است همه مسایل در همین دنیا حل شود؟ خدا خودش می فرماید: ما گاهی آن قدر به این کافران ثروت می دهیم که خودشان هم از کثرت ثروت تعجب کنند. مگر کثرت دارایی، دلیل بر خوبی شان می شود؟ «فَلَمَّا نَسُوا مَا ذُكِّرُوا بِهِ فَتَحْنَا عَلَيْهِمْ أَبْوَابَ كُلِّ شَيْءٍ». [۱۳] بنده خودم با کسانی

که برای نماز خواندن و تدینشان بر خدا مَنّت می گذارند، برخورد کرده ام. بنابراین، خداوند به این سبب اختیار کردن اعتقاداتی افراد را امتحان می کند.

۳. توجیه گناه: سومین مورد امتحان که مشکل امروز جامعه ما نیز هست توجیه گناه است. فرمود: «يَسْتَحِلُّونَ حَرَامَهُ بِالشُّبُهَاتِ»؛ حرام را با شبهه مخلوط می کنند. «يَسْتَحِلُّونَ... وَ السُّخْتِ بِالْهَدْيَةِ»؛ اسم رشوه را هدیه می گذارند. اسم ربا را بیع می گذارند. عناوین گناه را تغییر می دهند؛ «زَيْنَ لَهُ سُوءُ عَمَلِهِ فَرَّاهُ حَسَنًا».[۱۴] امیرالمؤمنین علیه السلام چه زیبا پیش بینی رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) را در این خطبه گزارش می دهد. بنابراین مال گرایی، دین را با مَنّت حفظ کردن و توجیه گناه، بلاهایی است که پیامبر آن را به ما گوشزد می فرماید.

### تعریف دین

اجازه دهید از بحث دور نشویم، بناست بحث را درباره حضرت زهرا علیها السلام و دین شناسی ایشان دنبال کنیم. نخست باید چیستی دین را بدانیم. دین، مجموعه اعتقادات و باورهاست. علی علیه السلام می فرماید: «الدين شجرة»؛ دین درختی است دارای ریشه و اصل «أصلها التسليم والرضا» اصل و اساسش تسلیم و رضاست. این سخن به چه معنی است؟ یعنی پسندم آنچه را جانان پسندد. اگر درد داد، می پسندم، درمان داد می پسندم، فقر داد می پسندم. این معنای دینداری است. حالا از زندگی حضرت زهرا علیها السلام چند مثال برایتان بیان می کنم.

### دین مداری فاطمه در انتخاب همسر

جوان ها! امیرالمؤمنین علیه السلام برای خواستگاری حضرت زهرا علیها السلام آمد؛ در حالی که فاطمه خواستگاری های متعددی داشت که یکی از آن ها عبدالرحمان بن عوف بود که مهریه سنگینی پیشنهاد داد.[۱۵] اما به محض اینکه امیرالمؤمنین علیه السلام وارد شد، رسول خدا پیشنهاد امیرالمؤمنین را برای فاطمه مطرح کرد. نخستین سؤال فاطمه که دختر جوانی بود - هر کجای این کشور که هستید و صدای من را می شنوید دقت کنید - این است که: «أَرْضَى الله لي وَ رَسُولُهُ؟» بابا جان! آیا خدا راضی است؟ آیا شما راضی هستید؟ فرمود علی علیه السلام چه چیزی دارد، خانه اش کجاست، وسیله اش چیه، امکاناتش چه قدر است؟ بلکه گفت: «أَرْضَى الله لي وَ رَسُولُهُ؟»[۱۶] اگر خدا و رسولش راضی است، من هم راضی هستم؛ «رضيتُ بما رضى الله وَ رَسُولُهُ».

چرا سن ازدواج در کشور بالا رفته است؟ من زیاد به استان ها و شهرها برای تبلیغ می روم، خدا می داند که یکی از دغدغه هایی که مکرر به ما می گویند همین است. چرا؟ مگر نفرمود: «إِذَا جَاءُكُمْ» [۱۷] - خواهر من! خانواده های محترم! - اگر آقا پسری برای خواستگاری آمد، و شما دیدید که دینش مورد پسند است، «فَزَوِّجُوهُ» دخترتان، خواهرتان را به او بدهید.

باید سطح توقعات پایین بیاید. من بارها روی منبر تذکر داده ام، بعضی از وسایل در جهیزیه ها که برای خانه عروس خانم ها خریداری می گردد، تا آخر عمر استفاده نمی شوند، فقط در ویتترین قرار می گیرد! هزینه آنها سنگین است و کمر خانواده عروس یا داماد را می شکند. برادران، خواهران و عروس خانم ها! مقداری توقعاتتان را پایین بیاورید. مگر زهرای مرضیه علیها السلام با کدام جهیزیه ازدواج کرد؟ رقم جهیزیه اش را ببینید! من نمی گویم مثل ایشان باشید، اما خدا می داند که می شود سطح انتظارات را پایین آورد، مصرف را اصلاح کرد و الگو گرفت.

### دین مداری در همسرداری

این نکته را بیشتر خطاب به شما خانم های محترم عرض می کنم. امیرالمؤمنین علیه السلام به خانه آمد، در حالی که گرسنه است - این را منابع متعدد نوشته اند - دو روز است که فاطمه علیها السلام در خانه غذا ندارد. البته فقر مدینه عمومی بود. مقداد، سلمان و دیگران نیز وضع مالی مناسب نداشتند. البته بعدها وضع بهتر شد، تا زمان امام صادق علیه السلام که وضع بسیار تغییر کرد. اما به ویژه در صدر اسلام اوضاع اقتصادی مسلمان ها و خود پیامبر گرامی اسلام و امیرالمؤمنین در مدینه چندان خوب نبود. حضرت علی به خانه آمد، سؤال کرد، فاطمه جان! چرا به من نگفتید، تا غذایی برای بچه ها تهیه کنم؟ جواب زهرا علیها السلام و خطاب او را بشنوید؛ ابالحسن! یابن عم! - این احترام متقابل بین زن و شوهر است - «إِنْ كُنْتَ فِي خَيْرٍ مَعَكَ أَنْ كُنْتُ فِي شَرٍّ مَعَكَ رُوحِي لِرُوحِكَ وَقَاءٌ وَنَفْسِي لِنَفْسِكَ فِدَاءٌ» - به به! - جانم و هستی ام به فدایت! هر کجا که بروی پشت سرت هستم.

از این ادبیات معلوم است که چرا امیرالمؤمنین در خاک سپاری زهرا علیها السلام صورتش را روی خاک قبر خانمش می گذارد و می گوید: «نَفْسِي عَلَى زَفَرَاتِهَا مَحْبُوسَةٌ» چرا گریه نکند بر این فاطمه؟ چرا نگوید که کاش من هم می رفتم؟ این قدر این زندگی استوار و عمیق است که زهرا علیها السلام می گوید: علی جان! می دانی چرا به تو نگفتم؟ «لَأَسْتَحْيِي مِنَ إِلَهِي أَنْ تُكَلِّفَ نَفْسَكَ مَا لَا تَقْدِرُ عَلَيْهِ» [۱۸]؛ از خدا خجالت کشیدم تکلیفی بر دوشت بگذارم که در توانت نباشد.

این چه حرفی است که ماشینم باید این باشد، چرا چشم و هم چشمی؟ در شهرستانی کسی پیش من آمده و می گفت: نوه ام متولد شده، هنوز دارم قسط عروسی دخترم را می دهم. ببینید! این نشان دهنده آن است که فرهنگ صحیح در جامعه ما نیست. علی جان! من از خدا شرم کردم تکلیفی گردنت بگذارم که توانش را نداشته باشی. من ملاحظه خودت را کردم.

خواهر من! برای خدا قناعت کن تا ثواب داشته باشد، برای خدا همسرداری کن تا اجر ببری. جوان! برای خدا به همسرت لبخند بزن تا ثواب ببری. در زندگی زهرا علیها السلام دیدید که دینداری در راستای خانواده به چه معناست. شاید دو سه روز از ازدواج علی علیه السلام و فاطمه علیها السلام نگذشته بود، رسول خدا به خانه آنها آمد تا ارزیابی انجام دهد. بزرگترها! در زندگی زوج های جوان ارزیابی کنید، اما دخالت نکنید. مراقبت کنید، نقطه ضعف ها را یادآور شوید، آسیب ها را گوشزد کنید. بالاخره انسان باید ببیند زندگی این دو جوان چگونه پیش می رود. پیامبر آمد به خانه دختر بزرگوار و داماد عزیزش، ابتدا از امیرالمؤمنین علیه السلام سؤال کرد که فاطمه برایت چگونه همسری است؟ امیرالمؤمنین علیه السلام جواب داد: یا رسول الله «نِعْمَ الْعَوْنُ عَلَى طَاعَةِ اللَّهِ»؛ - مرحبا به خانمی که شوهرش را نماز خوان، مسجدی و اهل خمس بار بیاورد، اهل ولایت بار آورد، اهل روضه و هیئت بار آورد، نه اینکه او را پای حرام بکشد. - فاطمه در بندگی خدا کمک من است! از فاطمه نیز پرسیده شد که علی چگونه شوهری است؟ حضرت در جواب فرمود: «خَيْرُ بَعْلٍ» [۱۹]؛ خوب همسری است. این دین شناسی را ببینید! اگر فرصت می شد، برایتان نمونه هایی از دعاهای حضرت زهرا علیها السلام را - که حدود هفتاد دعا از بی بی علیها السلام به ما رسیده - می گفتم. این دعاها تراث ارزشمندی برای ما است. کاش شرح مناسبی برایشان نوشته می شد. دعاهای بزرگ و پرمحتوایی که نشان دهنده توحید، دین شناسی، و ملاحظه رضای خدا در زندگی حضرت زهراست.

### معادشناسی زهرای مرضیه علیها السلام

بگذارید بعد دیگری از سخن را باز کنم. یکی از مبانی دینی ما اعتقاد به معاد است. هر چه عقیده انسان به قیامت بیشتر گردد، کمتر گناه می کند. قرآن نیز می فرماید: آن هایی که کم فروشی، و معصیت می کنند، «أَلَا يَظُنُّ أُولَئِكَ أَنَّهُمْ مَبْعُوثُونَ» [۲۰]؛ به خاطر آن است که فکر نمی کنند قیامتی در کار باشد. قیامت و اعتقاد به معاد، ضریب ارتکاب گناه را در انسان پایین می آورد. بدین دلیل است که فاطمه علیها السلام می فرماید: «اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلَ مُصِيبَتِي فِي دِينِي».

دو سه نمونه از معادشناسی حضرت زهرا را برایتان یادآور می شوم، تا ببینید دغدغه قیامت، برزخ، قبر، به چه میزان در زندگی بی بی علیها السلام وجود داشته است. مرحوم شیخ صدوق (ره) کتابی دارد به نام «امالی» که کتاب بسیار زیبایی است. ایشان در مجلس چهل و ششم از امالی، نقل می کند: روزی زهرای مرضیه گریه کنان خدمت پیغمبر آمد و گفت: بابا! یا رسول الله! «أَيْنَ الْفَاكِ يَوْمَ الْمَوْقِفِ الْأَعْظَمِ؟» من روز قیامت شما را کجا پیدا کنم؟ - ببینید دغدغه و روش گفت و گوی با بابا را - پیامبر فرمود: دخترم! «عِنْدَ بَابِ الْجَنَّةِ»؛ کنار در بهشت ایستاده ام تا شیعیانم را شفاعت کنم. مرا آنجا خواهی دید. زهرا علیها السلام فرمود: بابا! اگر آنجا پیدایت نکردم؟ حضرت فرمود: «الْقَيْنِي عَلَى الْحَوْضِ وَ أَنَا أَسْقِي أُمَّتِي»؛ اگر آنجا نبودم مرا کنار حوض کوثر که دارم شیعیان و پیروانم را آب می دهم خواهی یافت. زهرا علیها السلام گفت: بابا! اگر آنجا نشد چه طور؟ پیامبر فرمود: «الْقَيْنِي عَلَى الصَّرَاطِ... عَلَى شَفِيرِ جَهَنَّمَ». زهرا علیها السلام: بابا، در شفیر جهنم برای چه؟ پیامبر (ص): دخترم، برای آنکه گنهکارانی از اُمتم را که زمینه شفاعت برایشان وجود دارد، شفاعت کنم و بگویم خدایا! اینها اُمت من هستند. «فَاسْتَبْشَرْتُ فَاطِمَةَ» [۲۱]؛ فاطمه از خبری که پیغمبر داد، لبخند زد و شاد شد.

این دغدغه حضرت زهرا علیها السلام است. من مکرر در میان نقل ها شبیه این سؤال را که حضرت از پدر بزرگوارش پرسیده دیده ام. گاهی می آمد و می گفت: بابا جان! روز قیامت چه روزی است؟ پیامبر در جواب می گفت: «و لَا يَلْتَفِتُ أَحَدًا إِلَى إِحَدٍ، وَلَا وَالِدٌ إِلَى وَلَدٍ» دخترم! قیامت زمانی است که نه پدر به اولادش توجه می کند، نه دوست به دوست؛ «فلا انساب»، نسبت ها از هم می پاشد. فاطمه اشک می ریخت، و می گفت: «وَا سَوَاتَاہُ يَوْمَئِذٍ مِنَ اللَّهِ»؛ پدر جان! وامصیبتا از این روز و از این حوادث!

جوان ها! برادران و خواهران! آیه ۴۳ از سوره حجر این است: «وَإِنَّ جَهَنَّمَ لَمَوْعِدُهُمْ أَجْمَعِينَ \* لَهَا سَبْعَةُ أَبْوَابٍ لِّكُلِّ بَابٍ مِنْهُمْ جُزْءٌ مَّقْسُومٌ» [۲۲]؛ ای مجرم ها، گنهکاران و کسانی که با خدا رابطه تان خوب نیست، جهنم در انتظار گنهکاران است، هفت در دارد، و برای هر دری معین شده که چه گروهی باید از آن وارد گردند. نوشته اند وقتی این آیه نازل شد، رسول خدا بسیار گریست - پیامبری که عالم هستی به طفیل وجود اوست - خبر به زهرای مرضیه رسید، زهرا آمد، گفت: بابا جان! چه شده؟ پیامبر در جواب می فرماید: دخترم! آیه عذاب نازل شده است. همین که پیغمبر آیه را خواند، زهرای مرضیه فریاد زد: «ثُمَّ الْوَيْلُ لِمَنْ دَخَلَ النَّارَ»؛ وای به حال آن هایی که جهنم می



روند، و غش کرد. [۲۳] امیرالمؤمنین آیه را شنید، صدا زد کاش از مادر متولد نشده بودم! و این آیه را نشنیده بودم.

### نکته ای از شیخ عباس قمی (ره)

آقا زاده مرحوم حاج عباس قمی (ره) می فرمود که: پدرم یک شب سوره یس را می خواند، رسید به آیه «هَذِهِ جَهَنَّمُ الَّتِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ»؛ این همان جهنمی است که وعده داده شده است. آن قدر بابام گریه کرد که دیگر نتوانست سوره یس را ادامه دهد. [۲۴] قرآن می فرماید «وَإِذَا تُلِيتُ عَلَيْهِمْ آيَاتُهُ زَادَتْهُمْ إِيمَانًا». [۲۵]

دین شناسی مان را قوی کنیم. دین شناسی؛ یعنی باورها، عملکردها، تسلیم و رضا، باور به معاد و مبدأ و در یک کلام، دغدغه ای که همه ائمه ما روی آن تأکید داشته اند. مگر رسول خدا نفرمود: «إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ اسْتِخْفَافًا بِالْدِّينِ» [۲۶]؛ من از خفیف شمردن دین بر شما می ترسم. امان از آن زمانی که دین بازیچه و ملعبه گردد؛ به تعبیر اباعبدالله علیه السلام که فرمود: «وَالدِّينُ لَعَقٌّ عَلَى السِّنَنِ» [۲۷]؛ برای بعضی ها دین لقلقه زبان می شود. به تعبیر زهرای مرضیه که در خطبه فدکیه از کهنگی و در حاشیه واقع شدن دین خبر داد. آقا! دین حیات بخش است: «لَا حَيَاةَ إِلَّا بِالْدِّينِ»؛ دین زنده کننده، احیاگر، نشاط آور و هدف دهنده است. دین موجب می شود تا انسان از پوچی، هیچی، افسردگی و نگرانی دور بماند. در یک کلمه، دین باعث می شود تا دنیای انسان نیز حفظ گردد. مگر نفرمود: «أَشْهَدُ أَنَّ الْجَنَّةَ حَقٌّ وَأَنَّ النَّارَ حَقٌّ وَأَنَّ السَّاعَةَ آتِيَةٌ لَا رَيْبَ فِيهَا» [۲۸]؛ آن هایی که دین را فدای دنیا می کنند، هم دین و هم دنیایشان تباه خواهد شد. مگر این گونه نشد؟ ببینید در تاریخ، زندگی کسانی که دین را فدای دنیا کردند، چگونه از بین رفتند؟ چگونه خوار و ذلیل شدند؟

### داستان

به «سعید بن مصیب» گفتند: عبدالملک مروان لحظه ای که داشت جان می داد، از پنجره قصرش به بیرون نگاه می کرده است. مثل الان که غسل خانه و این امکانات نبود، افراد را کنار رودخانه می شستند. مرده شویی مرده ای را کنار رودخانه شسته و کفن کرده بود و آماده بود که بستگان و صاحبان میت بیایند و جنازه را ببرند و مزد او را بدهند. دیر کرده بودند، خودش هم کنار این جنازه دراز کشیده بود و استراحت می کرد. عبدالملک هم از درد به خودش می پیچید. نگاهی از روزنه قصرش به غسل کرد و گفت: ای کاش شغل من شبیه این مرد بود، و این آرامش را داشتم. آن هایی که ظلم کردند دیگر آرامش ندارند. سعید گفت: «الحمد لله که اینها آخر عمرشان به ما و به مؤمنین غبطه می خورند!

امیرالمؤمنین فرمود: اقامه عدل در حکومت داری زیباست و به سیاست دولتی جهت می دهد. آقایان! برادران! و خواهران! همه دنیا را که روی هم بریزند، با همه قاره ها، کرات و منظومه شمسی و... قرآن می فرماید: قلیل و هیچ است. واقعاً قلیل است، هر چند به تعبیر قرآن در سوره قصص: «وَلَا تَنْسَ نَصِيبَكَ مِنَ الدُّنْيَا» [۲۹]؛ دنیا را فراموش نکنید، چون وسیله کسب آخرت است. بنابراین، یکی از ابعاد وجودی زهرای مرضیه علیها السلام توجه فوق العاده به معاد و آخرت بود، و همین توجه موجب رفتارهای فوق العاده معنوی او بود.

### چکیده سخن

خلاصه عرضم این است که باید دغدغه دین داشته باشیم، برای دین اهمیت قایل شویم، و از ائمه معصومین علیهم السلام و زندگی زهرای مرضیه علیها السلام درس دینداری را یاد بگیریم. فاطمه زهرا همین روزها که دارد به امیرالمؤمنین علیه السلام وصیت می کند، باز هم دغدغه قرآن دارد. می گوید: علی جان! من را تنها نگذار، کنار قبرم قرآن بخوان، [۳۰] کنار قبرم دعا بخوان. همه اش بحث بچه ها و فرزندان را دارد. البته وصیت های شخصی و مالی هم دارد؛ اما وصیت نامه اش را که باز کنید خواهید دید که در آن نوشته شده است که: «إِنَّ الْجَنَّةَ حَقٌّ وَالنَّارَ حَقٌّ وَأَنَّ السَّاعَةَ آتِيَةٌ لَا رَيْبَ فِيهَا». در وصیت نامه اش سخن از قیامت است. [۳۱] در وصیت نامه شفاهی اش هم توصیه می کند که علی جان! میت نیاز به مونس دارد، پس از دفن کنار قبرم بمان، من را تنها نگذار. «لَا يَزَالُ الْمُؤْمِنُ خَائِفًا مِنْ سُوءِ الْعَاقِبَةِ» آقا! همیشه از آخر کار خود بترسید؛ البته ترس ممدوح، چون خیلی ها دقایق پایانی عمر اُفت داشته اند و سقوط کرده اند. تاریخ نشان داد و نشان می دهد کسانی را در این دقایق سقوط کرده اند.

ابراهیم، پیامبر بزرگ خدا، پیامبری که به تنهایی خود امت واحد بود، به بچه هایش سفارشی کرد. بچه هایش چه کسانی بودند؟ اسماعیل، اسحاق، یعقوب، نوه ها و نتیجه های آنها. به شهادت قرآن سفارش ابراهیم پیامبر به فرزندان او این بوده است: «وَوَصَّى بِهَا إِبْرَاهِيمُ بَنِيهِ وَيَعْقُوبُ»؛ ابراهیم به فرزندان او و یعقوب سفارش کرد؛ اما چه گفت؟ گفت: «يَا بَنِيَّ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَى لَكُمُ الدِّينَ»، الحمدلله که دین دارید، توحید دارید، عقیده دارید، «فَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنتُمْ مُسْلِمُونَ» [۳۲]؛ سعی کنید مسلمان و با دین بمیرید. آغاز، خوب است؛ ولی پایان از آن مهم تر است.

خدایا! به عظمت صاحب این ایام، عاقبت همه ما را ختم به خیر بفرما!

### روژه

«السَّلامُ عَلَيْكِ يَا فَاطِمَةُ الزَّهْرَاءِ.»

دو سه جمله نیز در حضور برادران و خواهران و در محضر رهبر عظیم الشان عرض ارادت داشته باشیم، ان شاءالله ثوابش به روح شهدا، اموات، گذشتگان، به ویژه شهدای فتح خرمشهر و عملیات بیت المقدس برسد و ثوابی هم به روح مرجع عالیقدر، فقید سعید حضرت آیت الله العظمی بهجت (ره)، و به روح امام و فرزندانش (ره) اهدا شود.

سادات، درباره مادران زهرا، امام باقر علیه السلام فرمود: «قَدْ ذَابَتْ مِنَ الْحُزْنِ وَ ذَهَبَ لَحْمُهَا». [۳۳] نمی دانم این جمله را معنا کنم یا نه. فرمود: مادرمان زهرا، از حزن و اندوه ذوب شد، «قَدْ ذَابَتْ مِنَ الْحُزْنِ وَ ذَهَبَ لَحْمُهَا» دیگر گوشتی به تن مادرمان نماند. فرمود: آن قدر نحیف شده بود که مثل یک شیخ خیالی می ماند. اگر کسی می آمد میان بستر را نگاه می کرد، «مَا زَالَتْ بَعْدَ أَبِيهَا مُعَصَّبَةَ الرَّأْسِ نَاحِلَةَ الْجِسْمِ»؛ روز به روز بعد از بابا لاغرتر و نحیف تر می شد، و روز به روز مصیبت های فاطمه بیشتر می گشت.

خیلی سخت است یک مادر جلوی چشم چهار کودک صغیرش، مثل یخ ذوب شود، آب گردد. دائم بچه ها نگاه کنند ببینند مادر حالش بدتر شده، ببینند، مادر نحیف و لاغرتر شده است. مخصوصاً برای دختر بچه ها خیلی سخت است، آن هایی که دختر بچه دارند می دانند که من چه می گویم. گاهی زینب می آمد، گاهی امام حسین و امام حسن می آمدند و دعا می کردند، ای خدا! مادر ما که مریض نبود، یک باره چه شد؟ چرا مادر ما این چنین شد؟ مادرمان در حالی از دنیا رفت که هنوز بازوانش متورم بود! فرمود: «فَمَاتَتْ حِينَ مَاتَتْ وَ إِنَّ فِي عَضْدِهَا مِثْلَ الدُّمْلُجِ». [۳۴] بمیرم برایت که روز به روز ضعیف تر و نحیف تر می شدی. بچه ها دائم می آمدند و نگاه می کردند.

دیگر این شب های آخر مدام می رفتند کنار قبر پیغمبر و دعا می کردند. بابا! تو از خدا بخواه مادرمان خوب شود. یکی از همین شب ها آمدند و دیدند مادر خیلی حالش بد است، او حال مساعدی ندارد. امام حسن و امام حسین علیه السلام آمدند مسجد کنار قبر پیغمبر، صورتشان را کنار قبر رسول الله گذاشتند و دعا کردند. آقا زاده ها به طرف خانه برگشتند. نمی دانم تا حالا بیمار در بیمارستان ها داشته اید، یا نه، که رفته باشید برایش دعا کنید؛ وقتی بر می گردید، ببینید سرها پایین است. دست ها جلوی چشم ها. می فهمی که چه اتفاق افتاده است؟

همین که نزدیک در خانه رسیدند، دیدند اسماء سرش را پایین انداخته، با آستین دارد اشک هایش را پاک می کند. دیگر فهمیدند که چه شده. وارد خانه شدند امام حسن علیه السلام خودش را

انداخت روی بدن مادر: «يَا أُمُّهُ كَلِّمْنِي قَبْلَ أَنْ تُفَارِقَ رُوحِي بَدَنِي»؛ مادر با من حرف بزن، الان می میرم. امام حسین علیه السلام صدا زد: مادر اگر با من حرف نزنی قالب تهی می کنم. خم شد، صورتش را گذاشت به کف پای مادر.

جوان ها! مادران را احترام کنید، بهشت زیر قدم های مادران است. [۳۵] صورتش را گذاشت به کف پای مادر، اسماء آمد حسین خردسال را ناز کرد و بلندش کرد. خدا صبرتان بدهد، بروید بابایان را خبر کنید. مبدا علی این روز را ببیند!

دویدند آمدند به طرف مسجد، دیدند، قهرمان احد و خیبر دارد از مسجد به طرف خانه می آید. آی غیرتمنها! ای ولایی ها! تا آن روز کسی زمین خوردن علی را ندیده بود، اما همین که گفتند: «مَاتَتْ أُمُّنَا فَاطِمَةُ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهَا قَالَ فَوَقَعَ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَلَى وَجْهِهِ»؛ امیرالمؤمنین روی زمین افتاد، قدری آب به صورتش زدند، وقتی چشمانش را باز کرد جمله ای گفت: «بِمَنْ الْعَرَاءُ يَا بِنْتَ مُحَمَّدٍ»؛ فاطمه جان! دیگر با چه کسی درد دل کنم، دیگر به چه کسی حرفم را بزنم. [۳۶]

هر کجا نشسته اید، سه مرتبه بگویید: یا زهرا، یا زهرا، یا زهرا!

---

[۱]. توبه، ۱۱۹.

[۲]. قال رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم): إِنَّ فَاطِمَةَ شَجَنَةٌ مَنِّي يُؤْذِنِي مَا آذَاهَا وَ يَسُرُّنِي مَا سَرَّهَا (بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۲۶، معانی الاخبار، ص ۳۰۳).

[۳]. فَاطِمَةُ بِهَجَةٍ قَلْبِي وَ ابْنَاهَا ثَمَرَةُ فُؤَادِي وَ بَعْلُهَا نُورُ بَصَرِي وَ الْأَئِمَّةُ مِنْ وَلَدِهَا أَمَانَتِي وَ الْحَبْلُ الْمَمْدُودُ فَمَنْ اعْتَصَمَ بِهِمْ فَقَدْ نَجَا وَ مَنْ تَخَلَّفَ عَنْهُمْ فَقَدْ هَوَى (بحارالانوار، ج ۳۳، ص ۱۱۰).

[۴]. الغدير، ج ۷، ص ۲۳۲، فاطمة من المهد، ص ۲۷۵.

[۵]. فَاطِمَةُ بَضْعَةٌ مَنِّي وَ أَنَا مِنْهَا مَنْ آذَاهَا فَقَدْ آذَانِي وَ مَنْ آذَانِي فَقَدْ آذَى اللَّهُ (بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۲۰۳).

فَاطِمَةُ بَضْعَةٌ مَنِّي مَنْ سَرَّهَا فَقَدْ سَرَّنِي وَ مَنْ سَاءَهَا فَقَدْ سَاءَنِي فَاطِمَةُ أَعَزُّ النَّاسِ عَلَيَّ (بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۲۳؛ امالی مفید، ص ۲۹۴).

[۶]. قال النبي (صلى الله عليه وآله وسلم): الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ خَيْرُ أَهْلِ الْأَرْضِ بَعْدِي وَ بَعْدَ أُبَيَّهِمَا وَ أُمُّهُمَا أَفْضَلُ نِسَاءِ أَهْلِ الْأَرْضِ (بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۳۰).

[۷]. فاطمة الزهراء، رحمانی، ص ۱۰، فرائد المسلمین، ج ۲، ص ۶۸.

- [۸]. كشف الغمّة، ج ۱، ص ۵۰۶.
- [۹]. بحار الانوار، ج ۸۳، ص ۸۵.
- [۱۰]. مناقب ابن شهر آشوب، ج ۴، ص ۲۳۷.
- [۱۱]. بحار الانوار، ج ۶۶، ص ۵.
- [۱۲]. عنكبوت، ۲.
- [۱۳]. انعام، ۴۴.
- [۱۴]. فاطر، ۸.
- [۱۵]. زندگی زهرا عليها السلام، ص ۳۵، به نقل از: مناقب ابن شهر آشوب، ج ۳، ص ۲۴۵ (در این کتاب نوشته شده است که صد شتر با ابر پارچه و صد هزار دینار).
- [۱۶]. مناقب شهر آشوب، ج ۳، ص ۳۴.
- [۱۷]. قال رسول الله (ص): إِذَا جَاءَكُم مِّن تَرْضُون خُلُقَهُ وَ دِينَهُ فَزَوِّجُوهُ إِلَّا تَفْعَلُوهُ تَكُن فِتْنَةً فِي الْأَرْضِ وَ فَسَادٌ كَبِيرٌ (کافی، ج ۵، ص ۳۴۷).
- [۱۸]. بحار الانوار، ج ۳۷، ص ۱۰۳، و تفسیر برهان، ج ۱، ص ۲۸۲.
- [۱۹]. مناقب ابن شهر آشوب، ج ۳، ص ۳۵۵ و ۳۵۶ و بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۱۱۷.
- [۲۰]. مطفین، ۴.
- [۲۱]. يَا أَبَتَاهُ أَيُّنَ الْآكَ يَوْمَ الْمَوْقِفِ الْأَعْظَمِ وَ يَوْمَ الْأَهْوَالِ وَ يَوْمَ الْفَزَعِ الْأَكْبَرِ قَالَ يَا فَاطِمَةُ عِنْدَ بَابِ الْجَنَّةِ وَ مَعِيَ لِوَاءُ الْحَمْدِ لِلَّهِ وَ أَنَا الشَّفِيعُ لِأُمَّتِي إِلَى رَبِّي قَالَتْ يَا أَبَتَاهُ فَإِنَّ الْكَ هُنَاكَ قَالَ الْقَيْنِي عَلَى الْحَوْضِ وَ أَنَا أَسْقِي أُمَّتِي قَالَتْ يَا أَبَتَاهُ فَإِنَّ لَمْ الْكَ هُنَاكَ قَالَ الْقَيْنِي عَلَى الصَّرَاطِ وَ أَنَا قَائِمٌ أَقُولُ رَبِّ سَلِّمْ أُمَّتِي قَالَتْ فَإِنَّ لَمْ الْكَ هُنَاكَ قَالَ الْقَيْنِي وَ أَنَا عِنْدَ الْمِيزَانِ أَقُولُ رَبِّ سَلِّمْ أُمَّتِي قَالَتْ فَإِنَّ لَمْ الْكَ هُنَاكَ قَالَ الْقَيْنِي عَلَى شَفِيرِ جَهَنَّمَ أُمْنَعُ شَرَّهَا وَ لَهَبَهَا عَنْ أُمَّتِي فَاسْتَبْشَرْتُ فَاطِمَةَ بِذَلِكَ (امالی صدوق، ص ۱۶۶؛ بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۲۱).
- [۲۲]. حجر، ۴۳ - ۴۴.
- [۲۳]. بحار الانوار، ج ۸، ص ۳۰۳، و ج ۴۳، ص ۸۷، عوالم، ج ۱۱، ص ۶۳۴، ریاحین الشریعه، ج ۱، ص ۱۴۸.
- [۲۴]. سیمای فرزندگان، ص ۱۲۷.
- [۲۵]. انفال، ۲.
- [۲۶]. قال رسول الله (صلی الله علیه وآله وسلم): إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ اسْتِخْفَافًا بِالْذِّينِ وَيَبِيعَ الْحُكْمَ (بحار الانوار، ج ۷۱، ص ۹۲).

- [٢٧]. قال الحسين عليه السلام: النَّاسُ عَبِيدُ الدُّنْيَا وَالدِّينُ لِعِقٍّ عَلَى أَلْسِنَتِهِمْ يَحُوطُونَهُ مَا دَرَّتْ مَعَايِشُهُمْ فَأَذًا مُحْصُوا بِالْبَلَاءِ قَلَّ الدِّيَانُونَ (بحار الانوار، ج ٤٤، ص ٣٨٢، و تحف العقول، ص ٢٤٥).
- [٢٨]. قال على عليه السلام: إِنْ جَعَلْتَ دِينَكَ تَبَعاً لِدُنْيَاكَ أَهْلَكَتَ دِينَكَ وَ دُنْيَاكَ وَ كُنْتُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ الْخَاسِرِينَ. (غررالحكم، ص ١٣٠، ح ٢٢٢٠).
- [٢٩]. قصص، ٧٧.
- [٣٠]. بحار الانوار، ج ٧٩، ص ٢٧.
- [٣١]. بحار الانوار، ج ٤٣، ص ٢١٤، وسائل الشيعة، ج ١٣، ص ٣١١، دلائل الامامة، ص ٤٢.
- [٣٢]. بقره، ١٣٢.
- [٣٣]. مستدرک الوسائل، ج ٢، ص ٣٥٩.
- [٣٤]. بحار الانوار، ج ٢٨، ص ٢٧٠.
- [٣٥]. قال رسول الله: الْجَنَّةُ تَحْتَ أَقْدَامِ الْأُمَّهَاتِ (مستدرک الوسائل، ج ١٥، ص ١٨٠).
- [٣٦]. بحار الانوار، ج ٤٣، ص ١٨٦؛ بيت الحزان، ص ٢٤٩ و ٢٤٨، منتهى الامال، ص ١٩٣.